

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱

بایسته‌های حقوقی الزام به اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی تلگرام

سیدمحمد مهدی غمامی^{۱*}

جواد محمدی^۲

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

۲. فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

چکیده

پرسش از چرایی و امکان الزام قانونی اخلاق ریشه در بنیادی‌ترین مفاهیم حقوق عمومی هم‌چون آزادی، قانون و اخلاق دارد و کیفیت و حدود دخالت دولت‌ها در نسبت میان آزادی و اخلاق ظرافت و دقت خاصی می‌طلبد زیرا توجه به هرکدام از این مفاهیم بدون در نظر گرفتن دیگری می‌تواند جامعه را با بحران‌های ناهمگون و ناشناخته یا نقض اعتقادات عمومی مواجه نماید. امروزه می‌توان گفت اصلی‌ترین و فراگیرترین وسیله بیان آزادانه افکار و عقاید مردم، شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌ویژه نرم‌افزار پیام‌رسان تلگرام است اما گسترش سریع این‌گونه ابزارها در میان مردم باعث شده است تا نهادهای اجتماعی و دولت نتوانند در این فضا به شکل مؤثر در حمایت از الزامات قانونی و اصول اخلاقی وارد شوند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که «بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و به‌طور خاص در مورد شبکه اجتماعی تلگرام چه راه‌کارهایی جهت صیانت از ارزش‌های اخلاق وجود دارد؟» در این مقاله که به شکل توصیفی و تحلیلی و از طریق بررسی قوانین و مقررات عمومی انجام شده است پس از تبیین سؤال و بیان مفاهیم و چهارچوب تحقیق از جمله مبانی الزام به اخلاق، به جستجو در میان بایسته‌های مذکور پرداخته شده است تا با جمع‌بندی قوانین، راه‌کارهای حقوقی شامل راه‌کارهای سلبی و ایجابی، برای الزام اصول اخلاقی با رعایت ملاحظات از جمله آزادی بیان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات مشخص شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، قانون، آزادی بیان، الزام به اخلاق، تلگرام.

Email: ghamamy@isu.ac.ir

* ایمیل نویسنده مسئول:

افزایش ضریب نفوذ اینترنت در کشور و تسهیل دسترسی به آن از طریق گوشی‌های هوشمند در سال‌های اخیر سبب فراگیر شدن شبکه‌های مجازی در بین مردم ایران شده است. پیام‌رسان تلگرام پرکاربردترین این نرم‌افزارها در ایران است. کاربران شبکه‌های اجتماعی خود را در دنیای مجازی فارغ از حصارهای دنیای حقیقی می‌بینند و می‌توانند هویت جدید از خود در شبکه‌های مجازی ارائه دهند. سهولت در دسترسی افراد به انبوهی از کاربران از دیگر مختصات شبکه‌های مجازی است و این فضا در کنار فرصت‌های فراوانی پیش روی کاربران قرار داده است، امروزه تبدیل به تهدیدی جدی علیه بنیان‌های اخلاقی جامعه شده است.

مسئله فضای مجازی نیز بخشی از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی است و دولت وظیفه دارد بر اساس بند (۱) اصل سوم قانون اساسی محیطی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی در این فضا ایجاد کند و از ارزش‌های اخلاقی صیانت نماید اما سازوکار صیانت از اخلاق در نظام حقوقی جمهوری اسلامی موضوعی است که نیاز به بررسی قوانین و نهادهای موجود در کشور دارد. یکی از نهادهای مهم در زمینه صیانت از اخلاق در جامعه نیروی انتظامی است. این نهاد به‌عنوان ضابط قوه قضاییه مطابق جزء (ج) بند (۸) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی موظف است با منکرات و فساد برخورد نماید که فضای مجازی و به‌ویژه پیام‌رسان تلگرام یکی از عرصه‌های برخورد با منکرات و فساد است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که «بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و به‌طور خاص در مورد شبکه اجتماعی تلگرام چه راه‌کارهایی جهت صیانت از ارزش‌های اخلاق وجود دارد؟» جهت پاسخگویی به این سؤالات پس از مفهوم‌شناسی به بررسی مبانی الزام به اخلاق در نظام حقوقی ایران پرداخته و در ادامه ضمن تحلیل ماهیت نرم‌افزار پیام‌رسان تلگرام و کاربردها آن به بیان انواع روش‌های غیرمستقیم و مستقیم الزام اخلاق در این نرم‌افزارها به‌ویژه تلگرام می‌پردازیم.

۱- مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث در باب الزام به اخلاق ضروری است تا به بررسی مفهوم اخلاق بپردازیم. برخلاف تصور همگان از بدیهی بودن مفهوم اخلاق باید گفت این واژه دارای مفاهیم مختلفی است و در طول تاریخ نظریات متعددی وظیفه تعریف این مفهوم به‌ظاهر سهل را برعهده گرفته‌اند و بعضی از تعاریف کاملاً با یکدیگر متضاد هستند و چه بسا

اخلاق و الزام صرفاً مشترک لفظی باشند برای مفاهیمی متعدد که می‌بایست پیش از ورود به بحث اصلی از دامنه تحقیق خارج شوند.

۱-۱- معنای اخلاق

واژه اخلاق در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» است. در لغت به معنای «سرشت و سنجیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی. لغت‌شناسان عموماً آن را با واژه «خَلَق» هم‌ریشه دانسته‌اند. وقتی گفته می‌شود فلان کس خُلُق زیبایی دارد، یعنی نیرو و سرشت یا صفت معنوی و باطنی زیبا دارد. در مقابل، هنگامی که می‌گویند فلان کس خُلُق زیبایی دارد، به معنای آن است که دارای آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است (الزبیدی، بی‌تا، ج ۶: ۳۳۷) (ابن منظور، بی‌تا، ج ۴: ۱۹۴).

فلاسفه و حکما در یونان باستان و بعد در دوره‌ی اسلامی حکمت را به دو دسته حکمت عملی و حکمت نظری دسته‌بندی کرده‌اند و حکمت عملی یا آنچه در مورد قدرت یا فعل انسان‌ها بحث می‌کند را به سه دسته اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی اخلاق بیشتر مربوط به اعمال انسان در جنبه فردی آن است و از این محدوده پا فراتر نمی‌گذارد. (مدرسی، ۱۳۷۶: ۲۰)

واژه اخلاق بعضاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی به کار می‌رود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیراخلاقی است» و یا زمانی که گفته می‌شود «عصاره اخلاق عشق و محبت است» منظور از اخلاق، تنها اخلاق فضیلت است. این معنا از اخلاق، در زبان انگلیسی هم رایج است و غالباً تعبیر اخلاقی (ethi-cal) معادل با «درست» یا «خوب» و مقابل آن، یعنی غیراخلاقی (unethical)، به معنای «نادرست» و «بد» است (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۲۸)

برخی (اوگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸)) نیز بیان کرده‌اند «اخلاق باید مبتنی بر حس دیگرخواهی باشد و شعار آن‌ها زیستن برای دیگران است. در انسان حس خودخواهی با حس دیگرخواهی در کشاکش است و وظیفه فن تربیت این است که موجبات غلبه حس دیگرخواهی و نیکخواهی و همدردی را بر سایر احساسات آدمی فراهم آورد. حس دیگرخواهی و نوع‌دوستی را نمی‌توان با پند و اندرز دادن به طریق انتزاعی تقویت کرد زیرا حس خودخواهی بسیار قوی‌تر از آن است که از این طریق بر آن غالب شد، بلکه حس دیگرخواهی باید در کانون خانوادگی بر اثر لطافت زنانه و محبت مادرانه که بر

خانواده حاکم است پرورش یابد.» (ژکس، ۱۳۵۵: ۹۲)

اما رایج‌ترین و شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی، عبارت است از: صفات و هیأت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آن‌ها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند. طبق این تعریف صفات ناپایدار و غیرراسخ در نفس، مثل غضب شخص بردبار و یا صفاتی که از روی تفکر و تأمل صادر می‌شوند، مانند بخشش بخیل، از دایره‌ی اخلاق و ارزش‌های اخلاقی بیرون می‌روند، اما از طرفی، هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود و هم رذایل اخلاقی. بنابراین می‌توان از دو گونه اخلاق سخن گفت: اخلاق فضیلت و اخلاق رذیلت. البته بحث‌های فراوانی در اطراف منشأ پیدایش این صفات پایدار نفسانی انجام گرفته است: عده‌ای معتقدند که این‌ها صرفاً بر اثر تکرار عمل پیدا می‌شوند؛ برخی دیگر منشأ آن‌ها را در وراثت و محیط اجتماعی و عواملی از این قبیل جستجو می‌کنند و دسته‌ی سومی نیز آن‌ها را ذاتی و فطری پنداشته‌اند؛ حال آنکه در مفهوم خلق و ریشه لغوی آن، هیچ‌یک از این امور لحاظ نشده است. «سرشت و طبیعت» نفسانی، نسبت به اینکه بر اثر تکرار و تمرین پیدا شود یا از راه وراثت و محیط به آدمی منتقل گردد و یا اینکه ذاتی و فطری انسان باشد، لا به شرط است. (مدرسی، ۱۳۷۶: ۲۵) آنچه بسیار قابل تأمل است خارج بودن عنوان اخلاق اجتماعی از بحث این تحقیق است و مراد از اخلاق همان‌گونه که در تعارف اشاره شد اخلاق اسلامی است چه بسا اخلاق اجتماعی در مواردی بر خلاف اخلاق اسلامی باشد.

۱-۲- مفهوم الزام

مفهوم الزام معمولاً در دو معنای مختلف به کار می‌رود: گاهی مراد از این‌که در مورد عملی دستور و امری صادر شده این است که شخصی خاص منشأ آن امر یا دستور می‌باشد. الزامی که به‌وسیله دستور کسی قرارداد می‌شود، منفک از آن دستور در موضوع مورد بحث هیچ‌گونه واقعیتی ندارد. اما گاهی مقصود از این‌که گزاره الف لازم است، این است که گزاره الف برای رسیدن به نتیجه یا گزاره ب لازم می‌باشد. در این حالت لزوم یک‌چیز را در مقایسه با چیز دیگری لحاظ کرده‌ایم. این لزوم که از ارتباط حقیقی میان دو چیز خبر می‌دهد و صرف‌نظر از قرارداد و دستور آدمیان نیز واقعیت دارد «لزوم یا ضرورت بالقیاس» نام دارد (مصباح، ۱۳۸۵: ۶۰)

منظور از الزام به اخلاق که در عنوان این مقاله آمده است، غیر از الزام در معنای ضرورت بالقیاس است و به معنای ورود حقوق به عالم اخلاق جهت توسعه اخلاق به

روش‌های گوناگون است.

مسئله بعدی تشخیص تفاوت‌های الزام اخلاقی و الزام حقوقی است زیرا آنچه بناست به آن پرداخته شود الزام حقوقی است. یکی از تفاوت‌های مهم الزام اخلاقی با الزام حقوقی را در ضمانت اجرا است. بدین معنا که در گستره الزام‌های اخلاقی اراده و اختیار آدمی ضمانت اجرای اصلی است اما در الزام‌های غیراخلاقی عامل خارجی نقش مؤثرتری در جهت‌دهی به اراده انسان دارد. تفاوت دیگر الزام اخلاقی با الزام‌های غیراخلاقی در لحاظ کردن «نیت» مطرح می‌شود یعنی الزام اخلاقی برای رساندن فرد مکلف (عامل اخلاقی) به غایت اخلاقی نیازمند نیت بوده ولی در سایر الزام‌ها به‌ویژه الزام‌های حقوقی، تنها رسیدن به غایت، هدف اصلی می‌باشد. اگرچه همراه شدن نیت با سایر الزام‌ها می‌تواند آن‌ها را تبدیل به رفتاری ارزشی (اخلاقی) کند. (مبلغ، ۱۳۷۷: ۸۶)

۲- مبانی الزام به اخلاق در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی برگرفته از فقه اسلامی است و در آن تلاش شده است تا اصول آن بر اساس مبانی اسلام نگاشته شود. آنچه در ادامه می‌آید مبانی الزام به اخلاق در قانون اساسی است که در سه بخش به آن اشاره می‌شود:

۲-۱- هدف کلی حکومت

قوانین اساسی کشورها در حکومت‌های برآمده از مردم تجلی خواست و اراده آن‌هاست و شاید بتوان آن را محوری‌ترین متن رسمی در یک کشور دانست که اهداف و مسیر حرکت کلی جامعه در آن مشخص شده است و کارکردهای دولت‌ها بر مبنای این اهداف تعیین می‌گردند. به عنوان مثال نحوه برخورد دولت‌های دموکرات و خودکامه با مسائل مختلف متفاوت خواهد بود. این مسئله در موضوع جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت اسلامی نیز صادق است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌طور مشخص هدف از حکومت را رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی می‌داند تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خودگونگی انسان فراهم آید و تخلق به اخلاق الله را هدف حکومت می‌داند.^۱ به‌علاوه اینکه روح حاکم در تمامی بخش‌های قانون اساسی حاکی از اهمیت به مسئله اخلاق و توسعه فضایل اخلاقی است تا جایی که در بند اول اصل سوم قانون اساسی ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را از مواردی می‌داند که باید به سمت آن حرکت نمود. به‌علاوه اینکه در اصل چهاردهم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی

ایران و مسلمانان موظف شده‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.^۲ غیرعلنی برگزار شدن دادگاه در موارد منافی عفت عمومی^۳ نیز از این دست است. مسلماً وقتی هدف کلی یک حکومت تخلق به اخلاق الله و ایجاد بستر مناسب جهت رشد فضایل اخلاقی باشد، می‌بایست تمامی مواردی که باعث سست شدن پایه‌های اخلاق اسلامی در جامعه شود و فضای جامعه را به سمت بی‌اخلاقی سوق می‌دهد ریشه‌کن شود و در عوض هر آنچه جامعه را به سمت اخلاق حرکت می‌دهد توسعه پیدا کند.

۲-۲- امر به معروف و نهی از منکر؛ الزام همگانی اخلاق

امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر اینکه از مبانی الزام به اخلاق در قانون اساسی است یکی از سازوکارهای الزام به اخلاق نیز محسوب می‌شود که در اصل هشتم قانون اساسی ذکر شده است. در این اصل دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت تعیین شده است^۴ تا از این طریق ضمانت اجرایی همگانی و مردمی برای جاری شدن اخلاق در جامعه ایجاد شود. متأسفانه با وجود اهمیت فراوان امر به معروف و نهی از منکر و موکول شدن تعیین شرایط، حدود و کیفیت این فریضه الهی به تصویب قانون، با تأخیر بسیار زیاد در سال ۱۳۹۲ قانونی با عنوان حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و به تصویب شورای نگهبان رسید. در ماده یک این قانون از معروف و منکر به هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به‌عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد^۵ تعبیر شده است و در ماده دوم همین قانون امر به معروف و نهی از منکر را دعوت و ادا داشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر^۶ تعریف کرده است. برای دریافت صحیح مفهوم این نهاد اسلامی رجوع به موارد فقهی نیز الزامی است. امام خمینی (ره) در تعریف امر به معروف و نهی از منکر در تحریر الوسیله این‌گونه مرقوم داشته‌اند که: امر به معروف و نهی از منکر به واجب و مستحب تقسیم می‌شود، پس چیزی که عقلاً یا شرعاً واجب است، امر به آن واجب می‌باشد و چیزی که عقلاً قبیح، یا شرعاً حرام است، نهی از آن واجب می‌باشد و چیزی که مستحب باشد، امر به آن هم‌چنین (مستحب) است و آنچه مکروه باشد، نهی از آن، چنین (مکروه) است (خمینی، ۱۳۷۵: ۲۰۰). البته امر به معروف و نهی از منکر در اسلام دارای حدود و شرایطی است که در این مقاله فرصت

پرداختن به آن وجود ندارد اما به عنوان مثال گفته شده است که این واجب دینی تنها در شرایطی جریان پیدا می‌کند که عمل مورد نهی بدون تجسس دانسته شود (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۱۱) این امر تنها شامل عمل، رفتار یا عقیده‌ای است که به صورت علنی در مرآی و منظر عموم انجام می‌شود و یا آثار آن در اجتماع تجلی می‌یابد یا به آن سرایت می‌کند؛ که تنها همین دسته موضوع امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرند (راعی، ۱۳۸۴: ۱۲۵) و قانون حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر نیز در مواد ۳ و ۷۵ به این مورد صحه گذاشته است.

بر این اساس اگرچه بر اساس کرامت انسانی تجسس امور خصوصی افراد جایگاهی ندارد اما با این حال امر به معروف و نهی از منکر دایره گسترده‌ای را شامل می‌شود که قطعاً اصول اخلاقی را در برمی‌گیرد.

۲-۳- محدودیت آزادی بیان

حق آزادی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر و از زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر است، که در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.

در تعریف این حق گفته شده است که آزادی بیان حقی است طبیعی که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود به طور یکسانی از آن برخوردارند و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود را ابراز کنند البته این حق محدودیت‌هایی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۰) به موجب بند ۷ اصل سوم قانون اساسی^۱، قانون یکی از محدودیت‌های آزادی تعیین شده است. از سوی دیگر در اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر شده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» در نهایت در اصل یک‌صد و هفتاد و پنجم آمده است که در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. از مجموع این سه اصل می‌توان استنباط کرد محتوای قانون مندرج در بند هفتم اصل سوم قانون اساسی در زمینه محدودیت‌های آزادی شامل سه عنوان اخلال در مبانی و موازین اسلام، اخلال در حقوق عمومی و عدم رعایت مصالح کشور است. بر این اساس با توجه به اینکه اندیشمندان اسلامی اخلاق را در کنار عقاید و احکام یکی از سه جز تشکیل‌دهنده اسلام می‌دانند. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۱۱) می‌توان گفت مسلماً تجاوز از اخلاق اسلامی یکی از محدودیت‌هایی است که در قانون اساسی برای آزادی بیان به رسمیت شناخته شده است.

۳- راه کارهای الزام به اخلاق در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی

پس از بیان مبانی الزام به اخلاق نوبت به بررسی راه کارهای سلبی و ایجابی الزام به اخلاق در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی می‌رسد که در ادامه بررسی می‌شود:

۳-۱- وظایف نهادها در صیانت و بسط ارزش‌های اخلاقی

با توجه به درونی بودن تمایلات انسان‌ها در اتخاذ دستورات اخلاقی یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای الزام به اخلاق در یک جامعه تلاش برای تغییر، خواست درونی افراد جامعه است که برای این امر در بند ز ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به خوبی بیان شده است. در این بند از ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی به عنوان یکی از امور حاکمیتی یاد شده که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.^۹ برای نیل به این مقصود در ساختار جمهوری اسلامی نهادهایی به این منظور به وجود آمده‌اند که در ادامه به طور مختصر به این نهادها پرداخته می‌شود:

الف- شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است؛ با مأموریت تصحیح و ارتقاء فرهنگ و سازمان‌دهی امور فرهنگی برای حفظ استقلال و تحکیم و تعمیق تدین و فرهنگ دین‌باوری و در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی فعالیت می‌نماید.^{۱۰}

این شورا که از جمله اهداف آن گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی و تحول دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز فرهنگی و هنری بر اساس فرهنگ صحیح اسلام است. وظایفی دارد که می‌توان آن‌ها را در سه حوزه سیاست‌گذاری و تدوین طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی، فعالیت‌های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوزه‌های فرهنگی، تدوین ضوابط تأسیس مراکز علمی و آموزشی و نیز ضوابط گزینش مدیران و استادان و دانشجویان و نظارت بر اجرای مصوبات شورا تقسیم‌بندی نمود.^{۱۱} شورای عالی انقلاب فرهنگی به بیان مقام معظم رهبری، اتاق فرمان فرهنگی کشور است و با این اوصاف

وظیفه ترویج اخلاق را می‌توان یکی از اهداف و وظایف مسلم این شورا به حساب آورد.

ب- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اگرچه با نام‌های دیگر و با وظایف گسترده‌تر از ابتدای انقلاب و با تصویب شورای انقلاب وارد نظام حقوقی کشور گردید. این وزارت که البته از سال ۱۳۶۵ به شکل امروزی آن پدیدار گشته است وظیفه مهمی را در فراهم آوردن شرایط الزام اخلاقی بر عهده دارد به نحوی که در ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این وزارت مسئول اجرای سیاست‌های رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی فرهنگ عمومی گردیده است.

اگرچه تمامی این بندهای هفتگانه اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی^{۱۲} وظیفه خطیر این وزارت را در مورد توسعه فضایل اخلاقی می‌رساند اما بند اول این ماده به روشنی به موضوع اخلاق می‌پردازد و رشد فضایل اخلاقی را بر مبنای ایمان و تقوا را از اهداف این وزارت می‌داند. با این حساب مشخص می‌شود که طبق این قانون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان بخشی از دولت، موظف است فضایل اخلاقی را بر مبنای اسلام در جامعه رواج دهد و مانع از بروز نارسایی‌های اخلاقی گردد. به موارد فوق باید این را بیفزاییم که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئولیت ریاست شورای فرهنگ عمومی که ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تعریف شده است را نیز برعهده دارد و می‌تواند به وسیله این شورا مروج اخلاق در جامعه باشد.

ج- وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اهمیت آموزش و پرورش و آموزش عالی در تمام کشورها بر کسی پوشیده نیست و این مهم در اصل سوم قانون اساسی کشورمان نیز بیان شده است. به علاوه اینکه طبق قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.^{۱۳} با توجه به اینکه آموزش و پرورش و آموزش عالی طبق قانون اساسی^{۱۴} می‌بایست در خدمت موارد مذکور در اصل دوم^{۱۵} قانون اساسی باشد، به نظر می‌رسد آنچه ماده و محتوای آموزش در سطوح و مقاطع مختلف قرار می‌گیرد نمی‌تواند جدای از فضایل اخلاق اسلامی باشد و شاید بتوان هدف آن را تحول انسان‌ها دانست به بیان دیگر آموزش و پرورش و آموزش عالی را می‌توان زیرساخت تحول در انسان‌ها و تغییر صحیح در دل‌ها و باورها و حرکات و خلیقات به حساب آورد.^{۱۶} حداقل نیمی از

کار آموزش و پرورش، پرورش و تربیت است. بر اساس قرآن کریم نیز وظیفه انبیا، تزکیه و تعلیم است. بعضی از جلو قرار گرفتن «یزکبهم» در دو آیه قرآن بر «یعلّمهم»، استفاده کرده‌اند که تزکیه از تعلیم هم بالاتر است، می‌تواند این‌طور باشد. حداقل این است که تزکیه در کنار تعلیم است؛ «یزکبهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمه»^{۱۷}؛ آن‌هم تعلیم کتاب و حکمت، نه تعلیم چیزهای پیش‌یافتاده.^{۱۸} بنابراین می‌توان گفت وزارت خانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی وظیفه ترویج اخلاق را به طور جدی بر عهده‌دارند. این مسأله در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به صراحت تکرار شده است. به عنوان مثال در این سند و در بخش بیانیه ارزش‌ها، کسب فضایل اخلاقی به عنوان یکی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت آمده است به علاوه در بخش‌های چشم‌انداز، اهداف کلان، اهداف عملیاتی و حتی بخش راه‌کارها، توجه به ایجاد محیط مناسب برای کسب فضایل اخلاقی و بهره‌مندی از معلمان متخلق به اخلاق در جهت رشد اخلاقی دانش‌آموزان دیده می‌شود.^{۱۹}

در قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۰۵/۱۸^{۲۰} نیز مسأله اخلاق و ورود این وزارت خانه به آن به صراحت آمده است به عنوان مثال در بند ج ماده یک از این قانون تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش‌های انسانی و اسلامی به عنوان یکی از اهداف این وزارت تعیین شده است و همکاری در اعتلای فرهنگ، اخلاق و معنویت اسلامی در مجامع علمی دانشگاهی و جامعه نیز به عنوان مأموریت دیگر این وزارت خانه به شمار رفته است.

د- الزام به اخلاق توسط نهادهای غیردولتی و تشکل‌های مردمی

علاوه بر قوای سه‌گانه و قوانین اصلی که در آن‌ها بحث الزام به اخلاقیات مطرح شده، می‌توان از نهادهای دیگری نام برد که وظیفه اصلی و مأموریت غایی آن‌ها بحث الزام به اخلاقیات است.

از اصلی‌ترین این نهادها می‌توان به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود؛ که در قانون اساسی به آن اشاره شده و رعایت موازین اسلامی در آن شرط شده است.^{۲۱} در ماده ۹ از فصل دوم اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ آمده است که هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضائل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان است. این هدف‌ها در چهارچوب برنامه‌های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تأمین می‌گردد. مشروح هدف و برنامه‌های

سازمان در زمینه‌های گوناگون در خط‌مشی و اصول برنامه‌های سازمان مصوب مجلس شورای اسلامی ذکر شده است.^{۲۲} آنچه مشخص است این است که اگرچه صداوسیما برای اهداف خود از قوه قاهره و ضمانت اجرا برخوردار نیست اما عملاً می‌تواند با برنامه سازی در جهت رشد فضایل اخلاق به الزام جامعه از طریق ایجابی آن بپردازد.

این امر در مورد سازمان تبلیغات اسلامی که نهادی عمومی غیردولتی به شمار می‌رود نیز صادق است. در بند یک ماده پنج اساسنامه این سازمان احیا و اشاعه‌ی اندیشه‌ی تابناک اسلام در همه زمینه‌های موردنیاز و تقویت روح عبودیت الهی و ترویج اخلاق اسلامی در میان مردم به‌ویژه نسل جوان به‌عنوان اولین هدف مشخص شده است.^{۲۳} هم‌چنین می‌توان از نهادهای مردمی مانند بسیج مستضعفین، مساجد، هیأت و مؤسسات خودجوش فرهنگی به‌عنوان مواردی یاد کرد که فارغ از چهارچوب‌های اداری و جدای از دولت بی‌وقفه به اشاعه اخلاق در جامعه اسلامی می‌پردازند و البته در سال‌های اخیر مورد توجه فراوان رهبری نظام قرار گرفته‌اند.

ه- الزام انضباطی اخلاق

تعیین شرایط و صلاحیت‌های کارگزاران دولت یکی از سازوکارهای مؤثر در قوانین جمهوری اسلامی به جهت نهادینه ساختن اخلاق در جامعه است و این مسأله در انتصاب افراد برای مناصب کوچک و بزرگ نظام جاری است؛ زیرا رأس و بدنه هر حکومت با توجه به در اختیار داشتن قدرت می‌تواند تأثیر فراوانی بر زندگی مردم داشته باشد به علاوه اینکه حاکمان می‌توانند نقش الگو برای مردم داشته باشند و این مسأله به شکل مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری نظام اخلاقی جامعه دخیل است. وجود شرایط برای احراز صلاحیت نمایندگان مجلس و نامزدهای ریاست جمهوری در این راستا فهم می‌شود. پس از انتخابات ریاست جمهوری نیز گام اول رئیس‌جمهور در اجرای وظایف خود انتصاب معاونین و معرفی وزرا به مجلس شورای اسلامی است.^{۲۴} از این طریق رئیس‌جمهور می‌تواند با انتخاب افراد معتقد به مبانی اسلامی اصلی‌ترین گام را در ترویج اخلاق اسلامی در جامعه بردارد. طبیعی است که انتخاب افرادی که ترویج اخلاق را خلاف آزادی مردم بدانند به معنای بی‌توجهی به سوگند رئیس‌جمهور مصرح در قانون اساسی و در راستای حمایت از اخلاق است. این مسأله در سایر انتصابات در رده‌های پایین‌تر نیز وجود دارد. به عنوان مثال بند ۴ ماده ۱ قانون‌گزینش تعیین می‌کند که عدم اشتها به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق از مواردی است که باید در گزینش افراد مدنظر قرار گیرد.^{۲۵}

سازوکار دیگری که در مسأله الزام به اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی یافت می‌شود را می‌توان در قوانین مربوط به تخلفات اداری جست‌وجو کرد. تخلف اداری به معنای تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۲۵۷) که به صورت فعل یا ترک فعل رخ می‌دهد و ارتکاب آن مستخدم را مستحق مجازات اداری می‌نماید. (استوارسنگری و امامی، ۱۳۹۱: ۲۵۷) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام اداری دچار تحولات فراوانی شد و قوانین بسیاری راجع به تخلفات اداری به تصویب رسید که نوآوری جمهوری اسلامی در زمینه الزام به اخلاق را می‌توان در این قوانین مشاهده کرد. به‌عنوان مثال در ماده ۷ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی تخلفات انتظامی و جرایم، به دو دسته تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی تقسیم شده است و این به این معنا می‌تواند باشد که دولت اهمیت فراوانی به شیوه تدریس اساتید اخلاق عمومی و شریعت اسلام می‌دهد. ذیل ماده هفت این قانون مواردی از قبیل اعتیاد و ارتکاب اعمال خلاف اخلاق عمومی که موجب هتک و حیثیت و شئون شغلی باشد، اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی، عضویت در یکی از فرق ضاله و القای اندیشه‌های الحادی^{۲۶} آمده است که تمام این موارد دال بر این مطلب است که منظور از واژه اخلاق عمومی در صدر ماده چیزی جز اصول اخلاقی منبث از شریعت نیست. هم‌چنین طبق بند بیست و یک ماده هشت قانون رسیدگی به تخلفات اداری، دولت موظف است با عنوانی به نام رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی و بی‌حجابی برخورد کند و این مورد نیز مصداق بارز الزام به اخلاق در مورد کارگزاران نظام است.^{۲۷}

و- الزام قضایی اخلاق

مداخله کیفری و الزام قضایی سخت‌ترین شیوه اعمال نفوذ قدرت عمومی، دولت‌ها، به حساب می‌آید که کیفیت مشروعیت استفاده از آن ریشه در اندیشه‌های فلسفی و نظام ایدئولوژیک حاکم جوامع دارد (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). در جمهوری اسلامی نیز قوه قضاییه مسئولیت نهایی صیانت از اخلاق را بر عهده دارد و در صورتی که هیچ‌یک از روش‌های پیش‌گفته اثربخش نباشند نوبت به برخورد شدید و الزام قانونی می‌رسد.

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایفی است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته حل و فصل دعاوی خصوصی، امور مربوط به مجازات اسلامی و احقاق حقوق و آزادی‌های مردم در برابر دولت تقسیم‌بندی کرد. در اصل قوه قضاییه

ضامن اجرای قوانین در کشور است^{۲۸} که این امر در بیشتر موارد به وسیله دادگاه‌های دادگستری صورت می‌گیرد که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.^{۲۹} آنچه می‌توان در این بخش بیان کرد بیشتر در ارتباط با قوانینی است که نشان‌دهنده سازوکار نهایی الزام به اخلاق است. به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی و در کتاب پنج آن فصلی تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی آمده است. هم‌چنین در ماده ۱۴۱ این قانون تظاهر به عمل حرام جرم‌انگاری شده است و حتی نداشتن حجاب اسلامی را به عنوان جرم مطرح می‌کند. هم‌چنین در ادامه این قانون در ماده ۱۴۳ جریحه‌دار شدن اخلاق عمومی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است.^{۳۰}

در قانون مدنی نیز مخالفت با اخلاق حسنه می‌تواند بر هم زنده توافقات خصوصی افراد گردد و در مسأله اطفال هم انحطاط اخلاقی والدین می‌تواند در مسأله قیمومیت و حضانت مؤثر باشد^{۳۱}. مواردی از این دست در قوانین جمهوری اسلامی به کرات یافت می‌شود و قوه قضاییه موظف به اجرای این قوانین و الزام اخلاق و جلوگیری از ترک آن است.

۴- الزام به اخلاق در شبکه اجتماعی تلگرام

پس از بررسی راه‌کارهای الزام به اخلاق در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی با توجه به اینکه الزام به اخلاق در شبکه‌های مجازی اطلاعات که امروزه با رشد چشمگیری روبه‌رو است نیز به قطع از وظایف دولت محسوب می‌شود و دولت باید راه‌کارهای مستخرج از قوانین را در مورد شبکه اجتماعی تلگرام نیز به کار بندد. این الزام از یک سو به طور مستقیم شامل اقدامات ایجابی می‌شود که از طریق دستگاه‌های مذکور، آموزش‌های لازم به شهروندان ارایه گردد تا خود به‌صورت خودجوش مرتکب تولید پیام‌های ضد اخلاقی یا دنبال‌کننده آن‌ها نباشد؛ اما از سوی دیگر لازم است نسبت به تولیدکنندگان و ترویج‌کنندگان پیام‌های ضد اخلاقی اقدامات تنبیهی و کیفری صورت بگیرد و نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضاییه و در راستای وظیفه خود طبق جزء «ج» بند «۸» ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران لازم است به «مبارزه با منکرات و فساد» بپردازد. البته مطابق ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیروی انتظامی تحت نظارت و تعلیمات دادستان از طریق کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق محتوای مجرمانه به موجب قانون جرایم رایانه‌ای اقدام می‌کند.

۴-۱- ماهیت و کارکرد تلگرام

شبکه اجتماعی تلگرام پیام‌رسانی چندسکویی است که برای نسخه‌های کلاینت متن‌باز است. کاربران تلگرام می‌توانند پیام‌ها، تصاویر چندرسانه‌ای و اسناد خود را تا حجم ۱/۵ گیگابایت به صورت رمزنگاری شده تبادل کنند و در نتیجه فیلترینگ هوشمند آن به دلیل امکان نداشتن انتقال و تبادل اطلاعات مجرمانه به‌زعم بسیاری ممکن نیست. در ایران این شبکه اجتماعی حدود بیست تا چهل میلیون کاربر به خود اختصاص داده که البته بیش از ۷۵ درصد کاربران همین شبکه هستند و در نتیجه یک شبکه آلمانی مورد استقبال ایرانی‌ها محسوب می‌شود؛ گرچه منابع ملی و حمایت از سرمایه انسانی داخلی حکم می‌کند از پیام‌رسان‌های داخلی مانند سلام و فانوس و... بهره برده شود و نهادهای دولتی و عمومی و به‌طور خاص رسانه ملی از نرم‌افزار پیام‌رسان بومی استفاده کرده و به تبع آن‌ها را تبلیغ کند. تلگرام چهار کاربری متفاوت دارد: (۱) کانال: که به صورت تک نگار (منولوگ) توسط یک مدیر اطلاعات در اختیار مجموعه‌ای از کاربران قرار می‌گیرد؛ (۲) گروه: که مجموعه کاربران می‌توانند هر یک حسب اقتضا و دلخواه وارد بحث شوند؛ (۳) شخصی: کاربر به صورت خصوصی با هر یک از کاربران تماس خود می‌تواند انتقال پیام انجام دهد؛ (۴) گفتگوی محرمانه: پیامی که در یک بازه زمانی به محض مشاهده از بین خواهد رفت.

۴-۲- الزام غیرمستقیم اخلاق در فضای مجازی

منظور از الزام غیرمستقیم اخلاق در فضای مجازی راه‌کارهایی است که طریق آن‌ها می‌توان اخلاق را درونی نمود تا افراد بدون نیاز به دخالت مستقیم دولت و قوای قهریه از اعمال غیراخلاقی پرهیز نمایند و رفتارهای آنان وصف اخلاقی به خود بگیرد. در مورد فضای مجازی موارد زیر به عنوان راه‌کارهای الزام غیرمستقیم اخلاق وجود دارد:

۴-۲-۱- اخلاق رسانه‌ای

اخلاق رسانه که شاید بتوان آن را بخشی از اخلاق فناوری اطلاعات به حساب آورد در حوزه اخلاق حرفه‌ای دسته‌بندی می‌شود و منظور از آن مجموعه قواعدی است که باید دست‌اندرکاران رسانه‌ها داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای خود رعایت کنند بدون آنکه الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف دچار مجازات‌های قانونی شوند. (دعاگو، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

شبکه اجتماعی تلگرام قطعاً یکی از اصلی‌ترین رسانه‌های کشور است. گاهی مخاطبین یک کانال تلگرامی در کشور چندین برابر بیشتر از مخاطبین رسانه‌های سنتی است از

سوی دیگر امکان نگارش مطلب و به اشتراک گذاشتن آن در سطح وسیع جامعه به سادگی و سهولت در اختیار عموم افراد جامعه قرار دارد. با این حال اصحاب رسانه بسیار گسترده‌تر از جمع محدودی خواهند بود که تا پیش از این شغل اصلی‌شان را رسانه قرار داده‌اند و می‌توان اصحاب رسانه را به تعداد کاربران شبکه‌های مجازی در کشور دانست. به عنوان مثال اگر تا پیش از این تنها خبرنگاران در حوزه اخبار پلیسی و نظامی کشور برای سؤاستفاده نکردن مجرمین و حفظ مصالح کشور خود را از لحاظ اخلاقی متعهد به حفظ اسراری که به آن دست یافته بودند، می‌دانستند. امروزه تمام مردم کشور می‌توانند در معرض دستیابی به اخبار محرمانه‌ای در کشور باشند که انتشار آن علیه مصالح کشور است و با افشای به صورت ناخودآگاه تبدیل به جاسوسانی برای دشمن خود می‌شوند. انتشار تصاویر افراد بدون اجازه از صاحبان آن در حالت غیرمعمول و حتی در بعضی موارد انتشار تصویر بی‌جان شخصیت‌های معروف کشور مثال دیگری است که در سال‌های اخیر موارد متعددی از آن در شبکه اجتماعی تلگرام و سایر فضاهای مجازی مشاهده شده است. فلذا ضروری است اخلاق حرفه‌ای در بخش رسانه و علی‌الخصوص در مورد شبکه‌های اجتماعی مجازی جدی گرفته شود و پس از تدوین اصول اخلاقی برای حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی توسط متخصصین امر این موارد پیش از ورود کاربران به آنان عرضه شود و از کاربران تعهد اخلاقی اخذ شود تا پس از شناخت موارد اخلاق رسانه در حوزه فضای مجازی به آن پایبند باشند.

۴-۲-۲- سواد رسانه‌ای

بی‌شک یکی از اصلی‌ترین وظایف نهادهای مروج اخلاق در زمینه فضای مجازی بسط و گسترش سواد رسانه‌ای در بین کاربران شبکه‌های مجازی است. سواد رسانه‌ای شامل یک نظام تفسیری و ترجیحی و متأثر از داوری‌های ذهنی و اخلاقی است که مواجهه‌ی فرد را با پیام‌های رسانه‌ای شکل می‌دهد و موجب می‌شود مخاطبان در استفاده از پیام‌ها و انتخاب آن‌ها، مسئولیت بیشتری احساس کنند (طلوعی، ۱۳۹۱: ۷۷) در حوزه سواد اطلاعاتی، با سواد کسی است که بتواند از میان حجم زیاد اطلاعات موجود، نیازهای اطلاعاتی خود را شناسایی، تجزیه و ترکیب کند. موارد ناخواسته را کنار بگذارد و با تفکر انتقادی درباره منبعی که از آن اطلاعات دریافت می‌کند، سره را از ناسره تشخیص دهد. آموزش سواد رسانه‌ای، به عنوان یک راهبرد ملی هویتی است، سلطه‌ی رسانه‌ها بر حیات اجتماعی و سیاسی مخاطبان و قدرت نفوذ آن‌ها در سبک زندگی در سطح نظر و عمل مصرف‌کنندگان است؛ آن‌سان که با بازنمایی چنان، «دیگری» و «خود» سوگیرانه‌ی

رسانه‌ای، خودانگاره‌ی هویتی مخاطب از مفهوم دست‌خوش چالش می‌شود که با فرض انفعال و عدم آشنایی وی با سواد رسانه‌ای به تدریج، ابعاد هویتی‌اش تغییر می‌کند. چرا که همه‌ی اطلاعات و اخبار، جز در مواردی «رسانه‌ای شده» هستند. این امر زمانی که ما اطلاعات را به طور مستقیم تجربه می‌کنیم، هشداردهنده‌تر می‌شود که بدانیم عمده‌ی رسانه‌ها بدون فعال کردن خودآگاه، بر مخاطب اثر گذاشته و حتی قادرند مدل‌های ارزشی و رفتاری پر قدرتی خلق کنند. در اینجاست که سواد رسانه‌ای به عنوان یک تفکر بنیادی و اصیل، می‌تواند در ارتباط با رسانه‌های مختلف، یک رابطه‌ی انفعالی و یک‌سویه را به یک رابطه‌ی فعال تبدیل کند. (بشیرحسینی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) بحث سواد رسانه‌ای در مورد شبکه تلگرام به عنوان یک رسانه‌ی قوی و فراگیر با توجه به تعداد زیاد کاربران آن موضوع مهم و حائز اهمیت است چه اینکه بی‌سوادی رسانه‌ای می‌تواند سبب شود کاربران به راحتی در دام سوگیری‌های رسانه‌ای قرار گیرند و ناخودآگاه در جنگ رسانه‌ای حاضر برخلاف اخلاق اسلامی عمل نمایند و به تخریب بنیان اخلاقی جامعه بپردازند.

۴-۲-۳- راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات

شبکه ملی اطلاعات کشور، شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت به همراه سوئیچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای است به صورتی که درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند به هیچ‌وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.^{۳۲} به دنبال برگزاری جلسه پانزدهم شورای عالی فضای مجازی این تعریف از شبکه ملی اطلاعات از سوی شورای عالی از غالب برنامه توسعه‌ای حالت دائمی پیدا کرد و در ادامه، مصوبه شورای عالی الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات به عنوان زیرساخت ارتباط فضای مجازی کشور به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- شبکه‌ای متشکل از زیرساخت‌های ارتباطی با مدیریت مستقل کاملاً داخلی.
- ۲- شبکه‌ای کاملاً مستقل و حفاظت‌شده نسبت به دیگر شبکه‌ها (از جمله اینترنت) با امکان تعامل مدیریت‌شده با آن‌ها.
- ۳- شبکه‌ای با امکان عرضه انواع محتوا و خدمات ارتباطی سراسری برای آحاد مردم با تضمین کیفیت از جمله قابلیت تحرک.
- ۴- شبکه‌ای با قابلیت عرضه انواع خدمات امن اعم از رمزنگاری و امضای دیجیتالی به کلیه کاربران.
- ۵- شبکه‌ای با قابلیت برقراری ارتباطات امن و پایدار میان دستگاه‌ها و مراکز حیاتی

کشور.

۶- شبکه‌ای پر ظرفیت، پهن باند و با تعرفه رقابتی شامل مراکز داده و میزبانی داخلی.^{۳۳} پیشینه شبکه ملی اطلاعات در کشور به ابتدای دولت نهم باز می‌گردد، سپس در سال ۱۳۸۹ با عنوان «شبکه ملی اطلاعات» در قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد و طبق قانون برنامه بنا بر آن بود که این شبکه تا پایان این برنامه، سال ۱۳۹۵، کامل گردد که متأسفانه تاکنون تنها فاز اول این طرح شامل مرکز تبادل ترافیک داده زیرساخت و کارساز نام دامنه ملی افتتاح شده است.

با توجه به تعاریف ارائه شده در مورد شبکه ملی اطلاعات آنچه در نگاه اول در مورد به نظر می‌رسد این است که این شبکه در صورت به اتمام رسیدن مراحل راه‌اندازی می‌تواند میزان زیادی از نیاز کشور به پهنای باند را مرتفع نماید و سبب افزایش سرعت شبکه و کاهش هزینه دسترسی به آن می‌شود به علاوه وجود مراکز داده درون کشور امنیت شبکه را افزایش می‌دهد و زمینه اصلی جاسوسی از اطلاعات مهم را از بین می‌برد اما مسأله مهم‌تری که نیاز به اینترنت ملی را بیشتر می‌کند تبدیل فضای اینترنت از تهدیدی برای اخلاق اسلامی به فضایی اخلاقی است. تنها در بستر شبکه ملی اطلاعات است که می‌توان دسترسی به محتواهای نامناسب را محدود نمود و پیام‌های مناسب اخلاقی را در شبکه گسترش داد. به بیان دیگر هر آنچه در موارد سلبی و ایجابی الزام به اخلاق مورد توجه قرار می‌گیرد تنها در بستر وجود شبکه ملی اطلاعات است که امکان‌پذیر می‌شود از این رو می‌توان به این شبکه به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌کارها در زمینه الزام به اخلاق در فضای مجازی نام برد.

۴-۳- الزام قهری و مستقیم اخلاق در فضای مجازی

الزام قهری اخلاق یکی از شیوه‌هایی است که در همه نظام‌های حقوقی در قالب اصل حاکمیت قانون و حقوق شهروندی با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات پذیرفته شده است. به‌طور کلی باید پذیرفت که اصول اخلاقی و امنیتی نیز الزاماتی دارند که رفتارهای فیزیکی و مجازی حق تعرض به آن را ندارند؛ البته این الزامات و نحوه تضمین آن در قانون به طور مشخص بیان شده و باید براساس ضوابط مشخص قانونی به محدودیت‌ها و اقدامات سلبی متوسل شد که در ادامه موارد آن ذکر می‌شود:

فیلترینگ به‌عنوان یک مجازات عبارت است از اعمال سانسور، محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدف‌دار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها مطابق قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸. موضوع فیلترینگ عبارت است از اقدامات جاسوسی، جرایم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، پیام‌های ناقص عفت و اخلاق عمومی، هتک حیثیت و نشر اکاذیب. کارگروه تعیین مصادیق موضوع ماده (۲۲) مصادیق محتواهای مجرمانه را تعیین خواهند کرد. براین اساس فیلترینگ در نظام حقوقی ایران براساس قانون مصوب مجلس هرگاه که جرمی اتفاق بیفتد، قابل اعمال است؛ مگر نسبت به ابزار الکترونیکی‌های موضوع بند (الف) ماده (۲۵) «که صرفاً به‌منظور ارتکاب جرایم رایانه‌ای به‌کار می‌رود». در ضمن قواعدی از پیش وجود دارد تا چالش فیلترینگ به حداقل برسد؛ به‌این ترتیب که همه «ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظف‌اند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چارچوب قانون تنظیم شده است، اعم از محتوای ناشی از جرایم رایانه‌ای و محتوایی را که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای به‌کار می‌رود، پالایش (فیلتر) کنند». واقعیت این است که فیلترینگ به‌عنوان محدودیت اصل آزادی مطابق اصل بیستم، یک استثنا محسوب می‌شود و هر استثنائی دلیل می‌خواهد. به‌علاوه آنکه فیلترینگ امری سلبی است و تبعات اجتماعی خاص خود را به همراه دارد؛ تلگرام یک پیام‌رسان با قابلیت‌های مناسبی است که با آن می‌توان یک سرمایه اجتماعی ساخت؛ گرچه نمی‌توان انکار کرد که برخی، از آن به‌طور غیرقانونی نیز بهره می‌برند. به‌علاوه آنکه به‌هیچ‌وجه تلگرام از جمله نرم‌افزارهای بند (الف) ماده (۲۵) قانون جرایم رایانه‌ای که استفاده مجرمانه دارد، محسوب نمی‌شود.

در این کاربری‌های مختلف تلگرام به‌طور قطع گفتگوی مجرمانه و پیام‌های شخصی، خصوصی بوده و مشمول حکم اصل بیست و پنجم قانون اساسی که می‌گوید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، مخابره نکردن و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون». به‌این ترتیب تجسس از تلگرام برای کشف جرم ممنوع است؛ مگر براساس ماده (۳۶) قانون جرایم رایانه‌ای که مقرر شده صرفاً به‌موجب دستور قضایی و در مواردی که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد. کاربری کانال و گروه دو حالت دارد: (۱) اگر مجموعه کاربران محدود باشند، نمی‌توان

برای آن کاربری عمومی قائل شد و هم‌چنان حکم اصل بیست‌وپنجم بر آن حاکم است؛ (۲) مجموعه کاربران زیاد و امکان عضویت برای بخش عمده‌ای از افراد فراهم باشد که در این صورت تنها کانال‌ها و گروه‌هایی که مرتکب اعمال مجرمانه مندرج در قانون شده‌اند، باید تحت پیگرد قضایی قرار گرفته و مسدود شوند؛ البته در پایان باید این تحلیل‌ها را منحصر به کاربری‌های فعلی تلگرام دانست و اگر از نظر حقوقی محرز شود که این نرم‌افزار به واسطه تعلقات مالکان آن، کاربری مغایر حریم خصوصی افراد، به‌طور خاص جاسوسی اطلاعات را دارد، مشمول حکم بند (الف) ماده (۲۵) قانون جرایم رایانه‌ای می‌شود و دولت برای صیانت از حقوق شهروندانش باید این شبکه را مسدود کند.

۴-۳-۲- تکلیف ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی^{۳۵} و خدمات دسترسی (رسا)^{۳۶}

شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات میزبانی و شرکت‌های رسا، حلقه واسط بین فضای مجازی و مردم هستند و می‌توانند نقش مؤثری در صیانت از اخلاق داشته باشند. حضور فعال این شرکت‌ها در این عرصه می‌تواند زمینه را برای کاهش ورود مستقیم حاکمیت به عرصه اخلاق مهیا نماید و پارادوکس دخالت قهری دولت در اخلاق را تقلیل دهد. قانون جرایم رایانه‌ای در ماده (۲۱) شرکت‌های رسا را موظف کرده است تا طبق ضوابط قانونی محتوای مجرمانه را پالایش کند و زمینه دسترسی به آن را از بین ببرد. هم‌چنین در ماده (۲۳) این قانون ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظف شده‌اند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه از ادامه دسترسی به آن‌ها ممانعت به عمل آورند.

علاوه بر این موارد به نظر می‌رسد می‌توان در قانون ترتیبی اندیشید تا دسترسی کاربران متخلف از اصول اخلاقی به اینترنت به طور موقت تعلیق گردد.

۴-۳-۳- اعمال مجازات‌های کیفری

آخرین مرحله از الزام قهری به اخلاق در فضای مجازی جرم‌انگاری و اعمال مجازات‌های قضایی است. به بیان دیگر قانونگذار در برخی از موارد اخلاقی که نقض آن‌ها در جامعه آثار مخرب‌تری دارد و صیانت از آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است را مورد حمایت کیفری قرار داده است. این امر در خصوص فضای مجازی در فصل چهارم قانون جرایم رایانه‌ای (جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی) پیش‌بینی شده است. ماده (۱۴) این قانون انتشار، توزیع، معامله محتوای مستهجن و مبتذل و تولید، ذخیره

یا نگهداری به قصد تجارت یا افساد محتوای فوق را مستوجب حبس یا جزای نقدی می‌داند. البته این مجازات برای مرتکبینی است که این اعمال را حرفه خود قرار نداده باشند. هم‌چنین ماده (۱۴) همین قانون، تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت، فریب، آموزش و تسهیل شیوه ارتکاب یا استعمال را علاوه بر محتوای مستهجن و مبتذل موضوع ماده قبل در مورد استعمال مواد مخدر روان‌گردان، خودکشی، انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز را جرم اعلام می‌کند. محتوای اشاره‌شده در مواد (۱۴) و (۱۵) قانون جرایم رایانه‌ای به وفور در شبکه اجتماعی تلگرام موجود است و گروه‌های دارای اعضای بالای ده نفر و کانال‌های فراوانی در این زمینه فعالیت می‌کنند. از این‌رو پلیس فتا به عنوان بخش متخصص نیروی انتظامی در زمینه فضای مجازی موظف است به عنوان ضابط قوه قضاییه پس از شناسایی با گردانندگان این قبیل کانال‌ها و گروه‌ها برخورد نماید.

نکته دیگری که وجود دارد این است که اگر بتوان برخی از کانال‌های تلگرامی را ذیل موضوع قانون مطبوعات به حساب آورد ماده (۶) این قانون علاوه بر عناوین فوق مواردی مانند استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی، تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و هم‌چنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید و ... را نیز جرم مطبوعاتی به حساب می‌آورد که قابل تعقیب خواهد بود. البته بخشی از این ماده ذیل فهرست مصادیق محتوای مجرمانه موضوع ماده (۲۱) قانون جرایم رایانه‌ای ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

۱- بر اساس قانون اساسی الزام به اخلاق توسط حاکمیت امری پذیرفته شده است و اقتضای پای‌بندی به اصول و موازین اسلام موجب می‌شود تا آزادی افراد در کشور محدود به اصول اخلاق اسلامی باشد. با بررسی اسناد و قوانین حاکم در کشور می‌توان این الزام را به دو بخش سلبی و ایجابی تقسیم‌بندی نمود که در هر دو بخش نهادهایی باهدف رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با مظاهر رذایل اخلاقی در جامعه‌ای ایجاد شده‌اند. این مهم البته در فضای مجازی که بخشی از عرصه حاکمیتی جمهوری اسلامی تلقی می‌شود نیز حاکم است.

۲- همان‌گونه که در حوزه عمومی اخلاق، وظیفه‌ی اولیه حکومت تبیین صحیح اصول اخلاقی و ترویج آن است، در فضای سایبر نیز قدم اول در ترویج اخلاق تعیین کدهای اخلاقی خاص شبکه‌های اجتماعی است. در این راستا باید به شبکه‌های اجتماعی به مثابه یک رسانه نگرست که مخاطبان بسیار زیادی در سرتاسر کشور دارند و کاربران شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک گذاشتن اطلاعات می‌بایست ملتزم به رعایت اخلاق رسانه‌ای شوند که این امر می‌تواند یکی از راه‌کارهای غیرمستقیم الزام به اخلاق در فضای مجازی باشد.

۳- راه‌کار بعدی در الزام غیرمستقیم به اخلاق مربوط با مبحث سواد رسانه‌ای است. گسترش سواد رسانه‌ای در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی به عنوان مصرف‌کنندگان اطلاعات از اهمیت فراوانی برخوردار است. توضیح اینکه کاربران تلگرام در عین حالی که تولیدکننده مطالب و اخبار هستند، مصرف‌کننده آن هم هستند و می‌بایست بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند تا علاوه بر اینکه در گسترش اخبار غیرموثق دخیل نباشند بتوانند از قرار گرفتن در دام ترفندهای رسانه‌ای که به حق جلوه دادن باطل بنیان‌های اخلاقی جامعه را تخریب می‌کنند، ایمن شوند.

۴- در حوزه راه‌کارهای سلبی الزام به اخلاق در تلگرام باید به اعمال مجازات بر شخصیت مجازی افراد در کنار اعمال مجازات بر شخصیت حقیقی توجه نمود پالایش موقت و دائم محتواهای غیراخلاقی و در صورت امکان، حذف آن‌ها در کنار قطع دسترسی کاربران مروج رذایل اخلاقی به اینترنت یا اخذ جریمه‌های مالی از این‌گونه کاربران می‌تواند از مواردی باشد که دولت می‌تواند به کمک شرکت‌های رسا و شرکت‌های ارائه دهنده خدمات میزبانی از آن برای فراهم آوردن فضای اخلاقی استفاده نماید. البته رفتار خلاف اخلاق اگر به مرحله جرم مصرح در قوانین مجازات اسلامی و جرایم رایانه‌ای

برسد برخورد خاص قضایی را می‌طلبد. مسلماً بستر لازم برای تحقق فضای اخلاقی در شبکه‌های مجازی چه در بعد سلبی و چه در بعد ایجابی آن تحقق شبکه ملی اطلاعات است.



یادداشت‌ها

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. اصل چهاردهم
۳. اصل یکصد و شصت و پنجم
۴. اصل هشتم
۵. ماده ۱ قانون حمایت آمران به معروف و ناهیان از منکر (۱۳۹۴)
۶. ماده ۲ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر
۷. ماده ۳- امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.
- ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند
۸. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است و دولت باید برای نیل به آن تمام امکانات خود را به کار گیرد.
۹. ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶
۱۰. جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۱. جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۲. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲
۱۳. اصل سی‌ام
۱۴. اصل سوم قانون اساسی
۱۵. اصل دوم: جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. عدل خدا در خلقت و تشریح. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد

مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین، ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

۱۶. بیانات در دیدار با فرهنگیان ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

۱۷. آل‌عمران: ۱۶۴ - جمعه: ۲

۱۸. آل‌عمران: ۱۶۴ - جمعه: ۲

۱۹. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰

۲۰. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مصوب ۸۳/۵/۱۸

۲۱. اصل یکصد و هفتاد و پنج

۲۲. اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸

۲۳. اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۸۷

۲۴. اصل یکصد و سی و سوم

۲۵. بند ۴ ماده ۲ قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۷۵

۲۶. قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴

۲۷. قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲

۲۸. اصل یکصد و پنجاه و ششم

۲۹. اصل شصت و یکم

۳۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۳۱. مواد ۱۱۷۳، ۱۲۳۱، ۹۵۹، ۹۷۵

۳۲. تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

۳۳. روزنامه رسمی، سال ۶۹، شماره ۲۰۰۸۲

34. Filtering

35. web hosting

36. Internet Service Provider

منابع

- ابن منظور (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ج ۴.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۴)، *سیاست نامه علوی*، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق.
- آلتمن، اندرو (۱۳۸۵)، *درآمدی بر فلسفه حقوق*، بهروز جندقی، قم: مؤسسه امام خمینی.
- انصاری، ولی... (۱۳۷۴)، *کلیات حقوق اداری*، تهران: میزان.
- برهانی، محسن (۱۳۸۸)، *تأثیر نظریه های اخلاق بر حقوق کیفری با تأکید بر حقوق ایران*، دانشگاه تربیت مدرس.
- الزبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر، ج ۶.
- ژکس (۱۳۵۵)، *فلسفه اخلاق*، دکتر ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۱)، *حقوق اداری*، تهران: سمت.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳)، *فلسفه اخلاق*، هادی صادقی، قم: کتاب طه.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، *بایسته های حقوق اساسی*، تهران: میزان.
- مدرسی، محمدرضا (۱۳۷۱)، *فلسفه اخلاق*، تهران: سروش.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم: مؤسسه امام خمینی.
- میل، جان استوارت (۱۳۷۵)، *رساله درباره ی آزادی*، جواد شیخ الاسلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- هارت، هریت (۱۳۸۸)، *آزادی اخلاق قانون درآمدی بر فلسفه حقوق کیفری و عمومی*، محمد راسخ، تهران: طرح نو.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، «آزادی بیان»، *مجله پاسدار اسلام*، شماره ۲۸۳.
- محمودی‌جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، «مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود»، *فصلنامه حقوق*، سال اول، شماره اول.
- استوار سنگری، کورش و امامی، محمد (۱۳۸۸)، *حقوق اداری*، تهران: میزان.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۵)، *تحریر الوسیله*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مبلغ، سید محمدحسین (۱۳۷۷)، «الزام در تکالیف اخلاقی»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، سال چهارم، شماره سیزده و چهارده.
- راعی، مسعود (۱۳۸۴)، «حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۵۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: صدرا، ج ۲۴.
- قوانین و مقررات**
- اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۸۷
- اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸
- اساسنامه مرکز ملی اطلاعات مصوب ۱۳۹۱
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸
- قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳
- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵
- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶

- قانون جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶
- قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴
- قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹



Received Date: 11/04/2017

Accepted Date: 02/08/2017

Legal Requirements of enforcement of morality In laws of the Islamic Republic of Iran: A case study of Telegram

Seyed Mohammad Mahdi Ghamami ^{1*}

Javad Mohammadi ²

Abstract

The question of the reason and the possibility of the legal enforcement of morality is rooted in the most fundamental concepts of public law, such as liberty, law, and morality, and the quality and extent of government interference in the relation between liberty and morality requires subtlety and precision, because paying attention to each of these concepts without regard to the other Can clash society with the crisis of heterogeneous nor unknown norms or violations of public opinion. Nowadays we can say that the main and most widely used means of expressing people's thoughts and ideas is virtual social networks, especially telegram messaging software, but the rapid spread of such tools among the people has made it impossible for social institutions and government to effectively support moral enforcement and principles in this area. The important question is "What are the legal requirements for morality enforcement in the Islamic Republic of Iran? And in particular, on the social network of telegram, what are the solutions to protecting the values of morality?" In this paper, that is descriptive and analytical through the review of general laws and provisions, after explaining the questions and expressing the concepts and framework of research, including the foundations of morality enforcement. We search among the abovementioned requirements by collecting laws in order to identify legal solutions, including positive and negative solutions, to the determination of moral principles, including observance of considerations such as freedom of speech and the legality of the offense and punishment.

Keywords: Morality, Law, Freedom of speech, enforcement of morality, Telegram.

1. Assistant Professor, Department of public law, Faculty of Islamic studies and law, imam sadiq university, Tehran, Iran. Email: ghamamy@isu.ac.ir.

2. M.A in Islamic studies and public law, Imam sadiq university, Tehran, Iran.